



مردان کوچک در مزرعه پامفیلد

«مزرعه پامفیلد» در سال‌های 1998 و 1999 در 2 فصل آن روی آنتن رفت. هر فصل مجموعه 13 اپیزود داشت و تهیه‌کنندگان آن در پایان سیزدهمین قسمت فصل دوم تصمیم گرفتند تولید و پخش آن را متوقف کنند و به سراغ فصل سوم آن نروند.

جام جم آنلاین: «مزرعه پامفیلد« در سال‌های 1998 و 1999 در 2 فصل آن روی آنتن رفت. هر فصل مجموعه 13 اپیزود داشت و تهیه‌کنندگان آن در پایان سیزدهمین قسمت فصل دوم تصمیم گرفتند تولید و پخش آن را متوقف کنند و به سراغ فصل سوم آن نروند.

مزرعه پامفیلد یک کار درام خانوادگی با حال و هوای اجتماعی است که کارل بیندر، تهیه‌کننده مطرح تلویزیونی کانادا خالق اصلی آن به شمار می‌رود.

بیندر برای تماشاگران سینما به خاطر نگارش فیلمنامه انیمیشن پر فروش کمپانی والت دیزنی «پاکا هونتاس« معروف است و تماشاگران تلویزیونی او را به واسطه تولید مجموعه پربیننده علمی - تخیلی «استارگیت« در فاصله سال‌های 2005 تا 2010 می‌شناسند. مزرعه پامفیلد دومین کار تلویزیونی این فیلمنامه‌نویس و تهیه‌کننده پس از یک درام زنانه به نام «دکتر کوئین« است که در فاصله سال‌های 1996 تا 1998، 48 اپیزود آن روی آنتن رفت.

وی در کل تا به حال 6 مجموعه تلویزیونی کار کرده که همگی جزو آثار موفق این رسانه کوچک بوده‌اند. بیندر برای مزرعه پامفیلد به سراغ نوول لوئیزا می‌آلکوت رفت که نویسنده‌ای آمریکایی و متخصص نگارش کتاب‌هایی درباره خانم‌ها و مسائل و مشکلات آنها بود. نوول این خانم نویسنده با نام مردان کوچک یا زندگی در پامفیلد، نخستین بار سال 1871 روی پیشخوان کتابفروشی‌ها قرار گرفت. شخصیت‌های این کتاب همه همان کسانی بودند که قبل از آن، این خانم در نوول قبلی خود «زنان کوچک« (که بارها و بارها توسط 2 رسانه سینما و تلویزیون به صورت فیلم سینمایی و مجموعه تلویزیونی درآمدی است) معرفی و خلق کرده بود.

قرن 18 در تلویزیون قرن 21

منتقدان ادبی، کتاب مردان کوچک را قسمت دوم تریلوژی زنان کوچک لوئیزا می‌آلکوت می‌دانند. این نویسنده در سال 1886 قسمت سوم این سه‌گانه را به نام «بچه‌های جو: پیش‌درآمدی بر مردان کوچک« منتشر کرد. خانم جو شخصیت اصلی قصه سه‌گانه این نویسنده است که محور اصلی مزرعه پامفیلد هم به شمار می‌رود. نقش او را در این مجموعه میشل بورك بازی کرده است. این بازیگر 40 ساله تلویزیونی با وجود حضور در حدود 20 کار تلویزیونی از سال 1993 تا به حال، در هیچ یک از نسخه‌های تلویزیونی زنان کوچک بازی نداشته است. در معروف‌ترین نسخه تلویزیونی این مجموعه در سال 1970 آنجلا داون این نقش را بازی کرد، در حالی که نسخه سینمایی آن در سال 1994 از حضور وینونا رایدر در نقش جو مارچ استفاده کرد. مجموعه مزرعه پامفیلد از 5 فیلمنامه‌نویس بهره گرفت که در کار نگارش اپیزودهای مختلف آن با بیندر همکاری کرد. 5 کارگردان تلویزیونی هم کار ساخت این اپیزودها را انجام دادند که معروف‌ترین آنها رابرت مالنفنت با کارگردانی 8 اپیزود آن است. ریچل اسکارتنس در نقش الیزابت لاورنس تنها بازیگر دیگر مجموعه است که در تمام 24 اپیزود آن حضور دارد و بقیه بازیگران بسته به نوع نقشی که دارند، در تعداد قسمت‌های کمتری ظاهر شده‌اند.

بیندر در ارتباط با انتخاب نوول می‌آلکوت برای دومین کار بزرگ تلویزیونی خود می‌گوید: «این قصه برای بسیاری از خانواده‌ها و خانم‌ها آشنا بود. ماجراجویی‌های سرگرم‌کننده و جالبی داشت و خواننده کتاب را به حال و هوای قرن هجدهم و جذابیت‌های ویژه آن می‌برد. خلق چنین فضایی روی صفحه کوچک تلویزیون می‌توانست برای دوستداران این نوع قصه‌ها جذاب به نظر برسد.

این فضا بیننده خود را به یک دنیای دوردست قدیمی می‌برد و از واقعیت‌های امروزی دور می‌کشد. زمانی که تصمیم به تولید این مجموعه گرفتیم نمی‌خواستیم دقیقاً قصه کتاب را تبدیل به یک مجموعه کنیم. به همین دلیل تغییراتی در آن ایجاد کردیم. نمی‌دانستیم

واکنش تماشاگران و دوستداران قصه‌های آلکوت نسبت به آن چه خواهد بود. این ریسک بود و من انجامش دادم. هدفم یک‌چیز بود: نوآوری در کار مجموعه‌سازی قصه‌های کلاسیک بود. برخی به من گفتند چنین کاری را انجام ندهم. آنها می‌پرسیدند آیا می‌دانم معنی کشتن همسر جو فریتس بهار و معرفی یک شخصیت تازه که در قصه آلکوت نیست، چه می‌تواند باشد؟ اما من حتی پا را از این فراتر نهاده و چند سال به سن بچه‌هایی جو هم افزودم. وقتی پخش مجموعه آغاز شد، همه می‌پرسیدند واکنش تماشاگران چه خواهد بود؟ خوشبختانه آنها از این تغییرات استقبال کردند و موضع منفی نسبت به آن نگرفتند.

مدیریت مدرسه در غیاب همسر

مزرعه پامفیلد در ژانر مجموعه‌های دوره‌های تاریخی قرار می‌گیرد که قصه‌های کلاسیک را با آن صحنه‌پردازی‌های خاص و لباس‌های قدیمی تعریف می‌کند. بسیاری از منتقدان آن را با کارهای موفق‌تری مثل [#171;جاده آوونلی](#) (که در ایران هم‌اکنون با نام [#171;قصه‌های جزیره](#) روی آنتن است) مقایسه می‌کنند. حال و هوای قرن هجدهمی مجموعه توانست تماشاگران امروزی را جذب خود کند. سازندگان مجموعه برای خلق فضای قرن هجدهمی قصه از لوکیشن‌های سرسبز تورنتو و اونتاریو استفاده کردند. هیچ وقت رقم دقیق هزینه تولید این مجموعه اعلام نشد، ولی تهیه‌کنندگان آن در شبکه راکس تی‌وی کانادا می‌گویند این رقم متعادل بوده و هزینه‌های تولید گران‌تر از رقم تولید یک مجموعه متوسط تلویزیونی نبوده است. قصه مجموعه یک ماه پس از مرگ فریتس همسر جو در ماساچوست شروع می‌شود. حالا جو باید اداره امور مدرسه پامفیلد را در غیبت همسرش به عهده بگیرد. جو باید مشکلات مربوط به پیدا کردن یک معلم خوب برای مدرسه را پشت‌سر بگذارد. ورود یک بازرگان جدید به قصه می‌تواند دورنمای مثبتی را برای مشکلات مدرسه ترسیم کند. در کنار این مساله، قصه مجموعه ماجراجویی‌های فرزندان جو در مزرعه را هم دنبال می‌کند و دوستی جو با کاراکتر نیک (بازرگان تازه‌وارد) بیشتر می‌شود.

نگاهی به تاریخ در یک اثر کلاسیک

قصه مزرعه پامفیلد دنباله‌ای بر قصه کتاب زنان کوچک است، اما اگر تماشاگران مجموعه زنان کوچک را هم ندیده باشند، باز می‌توانند با قصه و ماجراجویی‌های مزرعه پامفیلد همراهی کنند. به گفته رابرت مالنفنت، کارگردان اصلی مجموعه [#171;](#) در زمانه‌ای که شبکه‌های مختلف تلویزیونی لبریز از مجموعه‌های کمدی و اکشن با قصه‌هایی امروزی شده است، ساخت مجموعه‌ای با حال و هوای قدیمی و کلاسیک لذت خاصی دارد. این لذت فقط شامل حال سازندگان آن نمی‌شود و تماشاگران هم در آن سهیم هستند. نمی‌توان گفت این فقط حس درونی مجموعه‌سازان است که می‌خواهند نقیبه تاریخ بزنند و یک کار با حال و هوای کلاسیک خلق کنند. مشابه همین حس را در بین عموم تماشاگران هم می‌توان پیدا کرد. با عنایت به چنین حسی است که برنامه‌سازان تلویزیونی هر چند وقت یکبار به سراغ یک نول قدیمی می‌روند و دست به بازسازی یک فضای سرسبز کهنه می‌زنند. شما وقتی آدم‌ها را با آن لباس‌ها می‌بینید و تعدادی اسب و کالسکه از جلوی چشم شما رد می‌شوند احساس شادی و سبک‌بالی می‌کنید. انگار که روحتان آزاد شده و دارد در این دشت‌های وسیع پرواز کند. مجموعه‌هایی همچون مزرعه پامفیلد باعث پالایش روح می‌شوند و یک تمدد اعصابی را خلق می‌کنند که ممکن است شما نزد یک روانپزشک هم آن را پیدا نکنید.

مالنفنت: در آرشیو شبکه‌های تلویزیونی کانادا تمام اسباب، لوازم و لباس‌هایی که برای یک درام دوره‌های تاریخی لازم است، وجود دارد و هرگاه که کار تولید مجموعه‌ای با این حال و هوا شروع شود می‌توان از این آرشیوها استفاده کرد. این فیلمساز به این نکته اشاره می‌کند که برای خلق فضای قرن هجدهمی پروژه نیازی به تلاش مضاعف و صرف سرمایه زیاد نبود. در آرشیو شبکه‌های تلویزیونی کانادا تمام اسباب، لوازم و لباس‌هایی که برای یک درام دوره‌های تاریخی لازم است، وجود دارد و هرگاه که کار تولید مجموعه‌ای با این حال و هوا شروع شود، می‌توان از این آرشیوها استفاده کرد. صنعت تلویزیون کانادا از نیم قرن قبل تا به حال، تولید مجموعه‌های تاریخی دوره‌ای را در دستور کار خود قرار داده و هرچند وقت یکبار یکی از آنها را تولید می‌کند. در دنیای ادبیات کتاب‌ها و نول‌های زیادی وجود دارد که قصه‌هایی کلاسیک دارند و دو صنعت سینما و تلویزیون از آنها به عنوان منبع الهام خود برای تولید کارهای جدید استفاده می‌کنند. برای مثال خود مالنفنت در کارنامه هنری خود که شامل 17 کار سینمایی و تلویزیونی می‌شود، بیش از 3 مجموعه را کارگردانی کرده که مضمونی تاریخی و کلاسیک دارند.

آخرین اپیزود مزرعه پامفیلد اواسط دسامبر سال 1999 پخش شد که آخرین قسمت فصل دوم آن بود، اما این اپیزود پایان‌بخش قصه زندگی و فعالیت‌های کاراکترهای اصلی آن نبود و هنوز ماجراجویی‌های قصه کتاب خانم لوئیزا می‌آلکوت ادامه داشت.

البته نباید فراموش کرد که حتی در پایان این کتاب هم قصه زندگی جو و فرزندانش تمام نمی‌شود و نویسنده این قصه را در قسمت سوم کتاب ادامه می‌دهد. اما سازندگان مجموعه که شاهد کاهش چشمگیر شمار بینندگان شده بودند، تصمیم گرفتند پخش آن را قطع کنند.

عقب‌نشینی مخاطب

در طول سال‌های پس از آن، چندین بار بحث تولید فصل سوم مجموعه و دنبال کردن ادامه ماجراجویی‌های جو مطرح شد. حتی یکی دو بار هم مجموعه تا حد پیش تولید پیش رفت، اما بیندر علاقه زیادی برای تولید فصل جدید از خود نشان نداد. او دلیل این کار را چنین توضیح می‌دهد: «#171؛ واقعیت این است که ما با کاهش تعداد تماشاگران روبه‌رو شدیم. پس یک جای کار ما اشکال داشت. طبیعی است تا زمانی که این اشکال برطرف نشود، ساخت هر فصل جدید از مجموعه یک اشتباه بزرگ خواهد بود. قبل از هر چیز ما باید متوجه این مساله شویم که کجای کار ما غلط بوده و تلاش کنیم تا آن مورد اشتباه را برطرف کنیم. تنها پس از آن است که می‌توانیم مجموعه‌ای خلق کنیم که توانایی جلب شمار زیادی از بینندگان را دارد.»

اگر چنین اتفاقی بیفتد، تولید فصل سوم خوب و درست است، اما هنوز چنین اتفاقی رخ نداده است و من نتوانسته‌ام دلایل اصلی عدم استقبال تماشاگران از اپیزودهای پایانی فصل دوم را کشف کنم. این اپیزودها هم مثل اپیزودهای قبلی بودند و فرق چندانی با قسمت‌های قبلی نداشتند. به اعتقاد من زمانی که قرار می‌شود کاری برای تلویزیون تهیه و تولید شود، ملاک فقط تولید یک کار جدید نیست. همه ما باید کاری را انجام دهیم که بتواند تماشاگران را سرگرم و جذب خود کند. نمی‌دانم کسان دیگری می‌خواهند ادامه قصه جو و فرزندانش را تبدیل به یک مجموعه تلویزیونی کنند یا خیر. ولی امیدوارم اگر کسی خواست چنین کاری کند، دست به تولید مجموعه‌ای بزند که مورد پسند تماشاگران قرار گیرد. ««؛ این تهیه‌کننده قدیمی تلویزیونی این روزها سر خود را با مجموعه‌های علمی - تخیلی استارگیت گرم کرده که هنوز تماشاگران زیادی دارد و نمایش موفقیت‌آمیز آن ادامه دارد.»

آی ام‌دی‌بی
مترجم: کیکاووس زیباری